

سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا: مشکلات (مسائل) و چالش ها

نویسنده مسئول: دکتر محمدرضا حاکم زاده^۱

بهزاد کاموسی علمداری^۲

چکیده: این مقاله، چشم اندازی از مسائل ضروری را درباره عضویت اتحادیه اروپایی EC/EU در سازمان تجارت جهانی (WTO) ارائه می دهد. بدنبال توضیح مختصر از کارکردهای اصلی و مهم سازمان تجارت جهانی (WTO) و توافق عمومی و کلی در زمینه تجارت و تعرفه (GATT)، نویسنده و مؤلف مقاله، نگرش و دیدگاه کلی از نقش EC/EU در GATT/WTO ارائه می دهد. این مقاله، چالشهای بزرگی را که امروزه، اتحادیه اروپا (EU) و سازمان تجارت جهانی (WTO) با آنها روبروست، در رئوس مطالب خود می گنجاند. این مقاله به بحث مواردی می پردازد که نشان می دهد بسیاری از چالش های مربوط به اتحادیه اروپا تحت تاثیر عضویت سازمان تجارت جهانی (WTO) قرار داده شده اند. نهایتاً، در این مقاله، به خلاصه بندی وضعیت توافق های عام سازمان تجارت جهانی (WTO) و توافقات عمومی تجارت و تعرفه در قانون اتحادیه اروپا (EU) پرداخته شده است.

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه تهران

۱- مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، توافق عمومی در زمینه تعرفه و تجارت (GATT) بعنوان بخشی از سیستم Bretton Woods (برتون وودز)، در سال ۱۹۴۷ انجام و برقرار شد. هدف اصلی از این توافق، ارائه فونداسیون اقتصادی (پایه اقتصادی) به نظم نوین جهانی بود که بر اساس تئوری تجارت آزاد و مزیت نسبی انجام گرفت. از ژانویه سال ۱۹۹۵، توافق GATT، از سوی سازمان تاسیس شده تجارت جهانی با توافق مراکش، جایگزین شد. در این توافق، وظیفه و کارکرد اصلی و مهم سازمان تجارت جهانی (WTO) بشرح زیر بیان می شود.

اول اینکه، WTO، عملکرد توافق سازمان تجارت جهانی (WTO) را در تجارت بین المللی مورد نظارت و مباشرت قرار می دهد. توافقات WTO عبارتست از: توافق عمومی درباره تعرفه ها و تجارت (GATT) همراه با دوازده توافق مرتبط با تجارت کالا در حوزه کشاورزی، منسوجات و البسه، دامپینگ (سیاست تبعیض قیمت در تجارت بین الملل)، سوبسید (یارانه ها) و اقدامات جبرانی، اقدامات بهداشتی و زیست بهداشتی، موانع فنی در تجارت، اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت، حفاظت و تامین امنیتی، ارزیابی گمرکی، صدور مجوز واردات، قوانین بازرسی اولیه و پیش از حمل و نقل، توافق کلی تجاری در زمینه خدمات (GATS)، و توافق تجاری در زمینه جنبه های مرتبط با اموال و دارائی های هوشمند و مالکیت معنوی (توافق TRIPS).

همچنین سازمان تجارت جهانی (WTO)، بعنوان یک انجمن و نهاد در مذاکرات تجاری دارای نقش و عملکرد است و سعی دارد که تجارت کالا و خدمات را در تطابق و هم راستایی با اصول توسعه پایدار و حفاظت زیست محیطی گسترش و بسط دهد.

کارکرد سوم که در توافقات مراکش به WTO اختصاص دارد، سیستم حل و فصل اختلافات است. رفع و حل اختلاف، ستون مرکزی در سیستم تجارت چندجانبه بشمار می رود و سیستم تجاری را امن ترمی کند و قابل پیش بینی می سازد. بهمین دلیل، ایجاد سازمان تجارت جهانی WTO اغلب با تاسیس یک سیستم برای داوری و حل مناقشات و اختلافات، مشخص و تعیین می شود. تعدادی از محققان و مقاله نویسان، در بحث خود بیان می کنند که تاثیر و پیچیدگی تکمیل سیستم حل اختلاف، بهتر از اقداماتی است که از جانب محاکمات بین المللی انجام می گیرد.^۲ مکانیزم حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی (WTO)، در بین قانونمندترین مکانیزم های ممکن در چارچوب توافقات بین المللی قرار دارد.^۳ تحت نظارت WTO، کشور

^۱ Gerhard Pischel، "تجارت، معاهدات و خیانت: برخی از جنبه های اساسی در روابط سخت بین اتحادیه اروپا (EU) و ارزیابی امور خارجه اروپایی در سازمان تجارت جهانی مورد ارزیابی قرار می گیرد" (۲۰۰۱).

^۲ به کتاب نویسنده Robert Howse با عنوان "مشروعیت محقق شده و تفسیر معاهده در قانون تجارت بین المللی: اوایل سالهای فقه WTO در تحقیق JHH Weiler رجوع شود. EU، WTO و NAFTA: بسوی یک قانون مشترک در تجارت بین المللی (۲۰۰۰).

^۳ Billiet، از GATT تا WTO: کشمکش درونی برای دریافت شایستگی های خارجی در اتحادیه اروپا (EU) (۲۰۰۶).

های عضو که در سایه سازمان تجارت جهانی دارای احزاب در معاهدات مختلف هستند، بحق به حل اختلافات دسترسی دارند. این بدان معناست که اجماع کشورهای عضو، برخلاف GATT، درانتخاب حاکم رفع اختلاف، دیگر به الزامات قانونی نیاز ندارند. اجماع موسوم به تشکلات منفی، تحت نظر WTO وجود دارند. این بدان معناست که حاکم رفع اختلاف تنها در صورتی الزام آور نیست که تمام اعضای عضو با دربر گرفتن طرفین برنده، برعلیه فرایند اجرا و پیاده سازی آن رأی دهند. در تمام سایر موارد، حاکم بعنوان یک امر ملزم مورد پذیرش قرار داده خواهد شد. علاوه برآن، تعیین شده است که کی و چگونه طرفین بازنده باید بمنظور اجرای قانون رفع اختلاف عمل کنند و یا در غیر اینصورت، طرف مربوطه می تواند تابع نتیجه داوری عمل کند. در مواردی که هیات بازنده، برطبق یافته های حکمیت و نتیجه داوری، حکم را اجرا نکند، حکم مقابله به مثل و قصاص^۴ بطور اتوماتیک و خودکار، مجاز می شود. علاوه برآن، حکم قانونی اعضای هیئت منصفه در اولین وهله، به هیئت استیناف درخواست داده می شود. هیئت استیناف، متشکل از هفت حقوقدان می باشد که سه نفر آنها در هر دعوی (مرافعه) حضور دارند.^۵ تمام تغییرات بنیادی برای چگونگی عملکرد سیستم GATT وجود دارد.

تاسیس و ایجاد WTO، موجب تغییرات و جابجایی های بزرگ در مسائلی شد که قبلا مورد بحث GATT بود. تمرکز برروی موانع و محدودیت های تعرفه درجهت تغییر مسائلی پیش رفت که به اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت، تجارت خدماتی و تجارت مرتبط با جنبه های مالکیت معنوی ارتباط داشت.

این واقعیت که اروپا بزرگترین تاجر در جهان است، و مسئولیت یک پنجم تجارت جهانی را در کالا و خدمات بر عهده دارد، رابطه بین اتحادیه اروپا (EU) و سازمان تجارت جهانی را بعنوان یکی از اساس های حکومت جهانی معاصر، تشکیل می دهد.^۶ تغییرات مذکور پیشین که با تأسیس سازمان WTO اعمال و اجراسازی شد، با تقویت چارچوب نهادی WTO و افزایش دورنمای سازمان، و با توجه به سیاست تجاری نقش مهمی در تعادل قدرت در بین EU داشته است.^۷ به همین دلیل، به بررسی و ارزیابی وضعیت اتحادیه اروپا در سازمان تجارت جهانی و ارزیابی وضعیت سازمان تجارت جهانی در EU خواهیم پرداخت.

۲- وضعیت اجتماعات اروپایی (EC) در GATT

GATT، آزادسازی تجاری را بر مبنای عدم تبعیض گذاری، شفاف سازی، و معامله بمثل توسعه داد و ترویج کرد. همچنین با این وجود، GATT، برخی از استثنائات مهم در این ضوابط و اصول را تعریف و تعیین کرد مثل: استفاده مکرر و متوالی از تعرفه ها، سهمیه بندی های وارداتی، حقوق گمرکی ضد دامپینگ (مخالفت

^۴ امتیازات انحصاری تجاری که هیئت برنده به طرف بازنده ارائه می دهد، رد خواهد شد.

^۵ برای اطلاعات بیشتر درباره رویه و روش های رفع اختلاف در WTO به مجموعه "شناخت قوانین و روش های حاکم بر حل اختلافات" رجوع کنید و به سایت http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/28-dsu_e.htm مراجعه کنید (۲۵ می ۲۰۱۱).

^۶ JL Mortensen، "سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا" در کتاب KE Jorgensen، اتحادیه اروپا و سازمانهای بین المللی (۲۰۰۹).

^۷ به مقاله Billiet، 899 (n 3) رجوع کنید.

تبعیض قیمت بین بازار داخل و خارج از کشور، و سوبسید ها. یکی از این استثنائات به حوزه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی مرتبط بود.^۸ بنابراین، تعدادی از محققان با استدلال بیان می کنند که GATT، توانایی تأسیس EC (اجتماع اروپایی) را در اولین موقعیت دارد.^۹ با این وجود، GATT، با وجود استثنائات حوزه های تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی، به EC فرصت و امکان می دهد تا در این سیستم، نقش مهمی را ایفاء کند.

اجتماع اروپایی، از هیئت متعهد (طرف مورد قرارداد) به GATT 1947 نبود. تنها عضوی از ایالات عضو EU محسوب می شد. با این وجود، EC با پیشروی سالها، مقام هیئت متعهد را بمنظور تمام اهداف مورد نظر، دریافت کرد.^{۱۰} تمام پروتکل ها و توافقات تجاری مذکور در چارچوب GATT، در آخرین ماده قانونی آماده و مقرر شد و بیان گردید که این توافقات برای پذیرش از سوی هیئت متعهد به GATT و EEC (EC)، صریح و مشخص است.^{۱۱} از سال ۱۹۷۰، اغلب توافقات مذاکره شده در چارچوب GATT، تنها از جانب EC مورد پذیرش قرار داده شده است که بدون مقبولیت مجزا از سوی ایالات عضو اجتماعات اروپایی EC، انجام گرفته است.^{۱۲}

دیوار تعرفه های داخلی در اروپا با از سر گیری معاهده روم در سال ۱۹۵۷، بتدریج فرو پاشید. ایالات عضو در جوامع و اجتماعات اروپایی، مجموعه مشترکی از تعرفه ها را برای بقیه دنیا برقرار ساختند، در حالیکه عوارض گمرکی در تجارت داخلی در سال ۱۹۶۸ برچیده شد. برطبق مقاله TEC ۱۳۳، EC اختیار مدیریت و اداره کردن دیوار تعرفه مشترک را داشت. بنابراین، EC در نقش هیئت متعهد به GATT عمل کرد و بطور تاثیرگذار ایالات عضو خود را بعنوان حاملان حقوقی و تعهدات ملزم شده، جابجا و جایگزین کرده بود. این کار تنها با موافقت سایر هیأت های متعهد GATT می توانست انجام شود. از سال ۱۹۶۰، همه اعضای هیئت متعهد GATT پذیرفته اند که EC، عملاً تمام حق و حقوق را اعمال کرده است و تمام تعهدات تحت نظارت قانون GATT را در مقام طرف هیئت متعهد GATT انجام داده است.^{۱۳}

از دیگر جنبه های جالب در رابطه بین EC و GATT، می توان به تغییر تدریجی نقش EC در دوره های مختلف مذاکرات GATT اشاره کرد. Mortensen، اجتماع اروپایی EC را بعنوان یک عامل دفاعی GATT در آغاز شکل گیری GATT مشخص و شناسایی می کند. برطبق اظهارات او، مقتضیات خارجی، به فاکتورهای داخلی اجازه می دهد تا در سالهای اول تاسیس GATT، رفتار و عملکرد EC را شکل دهند و در این فرایند، امکان الویت های بومی و داخلی با دیپلماسی تجاری حکمفرما می گردد. او این عملکرد رفتاری را بصورت یک ورژن تدافعی از سیاست موازنه ای اقتصادی اروپایی (مرکانتیلیسم) تعریف می کند، و با ادعا بیان می کند که در این

^۸ مقاله GATT.

^۹ به نمونه Mortensen (n 6) رجوع شود.

^{۱۰} Jacques HJ Bourgeois، "دادگاه عدالت اروپا و WTO: مسائل و چالش ها" در مقاله Weiler (n 2).

^{۱۱} نمونه مقاله ششم با عنوان توافق تجارت بین المللی گوشت گاو را مشاهده کنید؛ بند مقاله ۹،۱،۱ در توافق مربوط به تجارت هواپیمای غیرنظامی.

^{۱۲} به مقالات Bourgeois (n 10) و Jacques HJ Bourgeois با عنوان "توافقات حول محور تجارت توکیو در زمینه موانع فنی و تامین تدارکات حکومتی (۱۹۸۲)" رجوع شود.

^{۱۳} به مقالات Bourgeois (n 10); Mortensen (n 6) رجوع شود.

فرایند، اگرچه تناقضات و کشمکش های تجاری بصورت سفت و سخت و بصورت دوجانبه و تصادفی در GATT با زد و خورد همراه بود ولی کم و بیش از جانب ایالات آمریکا (US)، این وضعیت، هموارسازی شد.^{۱۴} با این وجود، هیچ یک از این تناقضات، موجب ایجاد مسائل اساسی نشد. مسئله اصلی در رابطه با تاخت و تازهای انجام شده به EC در واشینگتن و ژنو، مسئله سیاست کشاورزی مشترک (CAP) بود. این امر یک مسئله محسوب می شد زیرا کشاورزان US، تاثیرات CAP را در سقوط قیمت بازار جهانی حس کردند. در طول دهه ۱۹۶۰، ایالات عضو اروپا و نمایندگان صنعت، از تقاضای US بمنظور آزاد سازی بازار دفاع کردند. بنابراین، گردهمایی Kennedy بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ بصورت یک نشست EC در مقام عامل تدافعی GATT قابل مشاهده و درک بود.

تنها محفل توکیو در بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ بود که GATT را بعد از وقفه دهه ۱۹۶۰، بجنبش درآورد. با این وجود، آندر ارائه قوانین جدید GATT در زمینه شکل جدید سیستم حمایت از تولیدات داخلی موسوم به موانع غیر تعرفه ای موفق نبود.^{۱۵} با اینحال در طول نشست اوراگوئه، دیپلماسی GATT بتدریج تغییر یافت. چهارده گروه مذاکره کننده تشکیل شد تا در زمین مسائل کشاورزی، حقوق مالکیت معنوی، و خدمات و نیز اصلاحات نهادی، توافقاتی حاصل شود.^{۱۶} با وجود این واقعیت که مهلت ضرب الاجل برای نشست محفل اوراگوئه مطابق شرایط پیش نرفت، و اختلاف نظر های بزرگی در زمینه مسائل مرتبط با کشاورزی وجود داشت، این یک گام معنادار و مهم برای EC و GATT بشمار می رفت. دیپلمات های EC، نقش پیشتاز را در تمام حوزه های دیگر این نشست ایفاء کردند. EC بدنبال یک وقفه مشخص، قوایش را در مسائل مرتبط با GATS و TRIPS با آمریکاییها متحد کرد و با امضاء و تائید نظرات US در زمینه خدمات و حقوق مالکیت معنوی، پذیرش خود را آشکار ساخت.^{۱۷} کشاورزی می تواند موجب بسیاری از مشکلات شود ولی پیشرفت های حاصل در GATS و TRIPS و اصلاحات مربوط به حل اختلافات می تواند مهم و معنادار باشد. توافقات مربوطه در هر دو زمینه از رقابت های رایج اروپا در کالاهای کالیبرور (طراح گر)، صنایع خدمات جهانی و دارویی حمایت می کند.^{۱۸}

۳- وضعیت اتحادیه اروپا (EU) در سازمان تجارت جهانی (WTO)

EC، در سال ۱۹۹۴ یک عضو اصلی در سازمان تجارت جهانی WTO شد. بواسطه صلاحیت های نامحدود و انحصاری در مسائل سیاست تجاری، این عضویت بصورت یک فرایند تمدید دار در عضویت عملی و غیر رسمی در GATT تبدیل شد. از آنجائیکه ایالات عضو در برخی از مسائل WTO صلاحیت دارند، آنها نیز از اعضای

^{۱۴} Mortensen (n 6).^{۱۵} Mortensen (n 6).^{۱۶} Mortensen (n 6).^{۱۷} R. Leal-Arcas، "از سرگیری نشست دوهه و آینده تجارت خدمات" در بازیابی قانون نسبی و بین المللی لس آنجلس Loyola.^{۱۸} Mortensen (n 6).

WTO بشمار می روند. ماده ششم یازدهم از توافق مراکش در ایجاد سازمان تجارت جهانی می گوید که طرفهای قرارداد و متعهد به GATT 1947، با دربر گرفتن تمام ایالات عضو EC و اجتماعات اروپایی، می توانند از اعضای اصلی WTO باشند. با این وجود، نیازی به بیانیه یا درخواست برای صلاحیت داشتن، نیست. با توجه به رأی گیری، هر یک از اعضای WTO دارای یک رأی هستند، در حالیکه EC و ایالات اعضایش نباید از تعداد ایالات عضو، رأی بیشتری دهد.^{۱۹} عملاً، رأی دادن، بندرت در تصمیم گیری های WTO استفاده می شود.

علاوه بر آن، کنسول EC، کمیسیون و ایالات عضو بعد از نتیجه نشست اوراگوئه، درباره "دستورالعمل های اجرایی و رهبری" برای مذاکرات آتی WTO موافقت کردند.^{۲۰} ECJ، بر مسؤلیت اجتماع اروپایی و ایالات عضو تاکید دارد و بیان می کند که آنها باید در کار WTO در نظر دادن و رأی گیری ۱/۹۴ درباره صلاحیت انجمن همکاری کنند تا در نتیجه، در رابطه با خدمات و حمایت از مالکیت معنوی در معاهده ماده قانون ۲۲۸ (۶) در پیمان EC، به توافقات بین المللی برسند.^{۲۱} با این وجود، ECJ، نتایج و پیامدهای این مسؤلیت را با دقت شرح نداد. کمیسیون EC، شورا، و ایالات عضو متعاقباً برای مشارکت EC و ایالات عضو در WTO، طبق ماده اجرایی وارد مذاکره شدند، ولی این مذاکرات هرگز به نتیجه ختم نشد. این مسئله بخشی از کنفرانس بین دولتی ۱۹۹۶ را دربر می گرفت که منجر به معاهده پیمان آمستردام شد. و این کنفرانس فقط برای این مدیریت و اداره شد که به یک اصلاح محدود شده از ماده قانون معاهده EC ۱۳۳ برسند. در حال حاضر، هنوز یک سند کلی و عام درباره مشارکت ایالات عضو و EC در WTO وجود ندارد.^{۲۲}

با وجود این بنظر می رسد که عملاً مشکلات و مسائل بزرگی ناشی از مسبب بودن اجتماع و عضویت مشترک وجود ندارد.^{۲۳} تعدادی فاکتور وجود دارد که موفقیت عضویت مشترک را توضیح می دهد و تاثیر گذاری نزدیکی با عضویت اتحادیه و جامعه انحصاری دارد. نکته مهم تر اینست که تخصص قانونمند، اقتصادی و دیپلماتیک در مسائل و امور تجاری عموماد کمیسیون اروپایی موقعیت یابی می شود. بنابراین، هیچ گونه تفاوت واقعی در برخورد با اختلافات آمیخته با صلاحیت داری و شایستگی های منحصر وجود ندارد. در هر دو مورد، مقامات رسمی کمیسیون از عاملان و فعالان اصلی هستند.^{۲۴}

^{۱۹} ماده نهم از توافق نامه مراکش در WTO.

^{۲۰} Rachel Frid de Vries، "اجتماع اروپایی، عضویت در نهاد یا سازمان بین المللی"، فرهنگ جامع و دایره المعارف قانون عمومی بین المللی Max Planck (www.mpepil.com)

^{۲۱} ECJ، نظریه ۱/۹۴ در توافقنامه WTO، ۱۹۹۴.

^{۲۲} Frid de Vries (n 20)

^{۲۳} به مقالات Mortensen (n 9) و Frid de Vries (n 20) مراجعه کنید.

^{۲۴} به تحقیق انجام گرفته درباره تجارب مقامات رسمی تجارت DG و کارگزاران در بخش خدمات قانونی کمیسیون در برخورد با اختلافات مطرح در مقاله Billiet (n 3) رجوع کنید.

بعد از اجرای معاهده EC، Lisbon، بعنوان عضو WTO با اتحادیه اروپایی جابجا و جایگزین شد. قدرت در سیاست تجارتي مشترک اتحادیه، در تمام مسائل مرتبط با تجارت بین المللی از سطح ملی به سطح فراملیتی محول شد. بر همین طبق، کمیسیون اروپایی در سازمان تجارت جهانی WTO برای اتحادیه صحبت و گفتگو می کند و مثل تمام سایر فعالان سیاست خارجی در WTO عمل و فعالیت می کند. معمولاً نمایندگان اتحادیه اروپا EU از طرف تمام ایالات عضو در WTO سخنرانی و گفتگو می کنند. حتی اگر هر یک از ایالات عضو نیز در آنجا حضور داشته باشند، این امر می تواند انجام گیرد. علاوه بر آن، با توجه به رفع اختلاف WTO، از سرویس و خدمات قانونی کمیسیون در تعهد برای دفاع از دعاوی انجام گرفته بر علیه ایالات عضو EU استفاده می شود.

برعهده کمیسیون اروپایی است که در سازمان تجارت جهانی از طرف اتحادیه اروپا EU مذاکره و گفتگو کند. کمیسیون از طریق کمیته سیاست تجارت (کمیته ماده ۱۳۳)^{۲۵} با ایالات عضو اتحادیه EU هماهنگ می شود و سیاست اتحادیه اروپا EU را هدایت و اجرا می کند و بدنبال آن، دستورالعمل ها را از جانب ایالات عضو در شورای وزراء یادداشت برداری و پیاده سازی می کند. همچنین این کمیسیون، مرتبا و منظم، پارلمان اروپا را از مسائل مهم و کلیدی WTO مطلع و آگاه می سازد. وقتی یک توافق در WTO مورد مذاکره و گفتگو قرار داده می شود، کمیسیون به اختیار و مجوز شورا و پارلمان اروپا نیاز دارد تا از طرف EU، توافقنامه را امضاء کند. تمام توافقات باید توسط شورای وزیران با اکثریت واجد شرایط لازم، امضاء و تصویب شوند. تحت فرمان معاهده Lisbon، نقش پارلمان در فرایند نتیجه گیری و استنتاج توافقات بین المللی تقویت شده است و قبل از نتیجه گیری معاهدات، رضایت EP مورد نیاز است.^{۲۶} بنابراین، برطبق این پروسه در مذاکرات منفی، می توان مشاهده کرد که دستگاه دیپلماسی EU در WTO خیلی پیچیده است. در اصل، کمیته های پارلمانی اروپایی مثل کمیته مربوطه در توسعه و تجارت بین المللی، جزئی از حزب پایدار در دیپلماسی تجارت اروپا بشمار می روند. در مرکز دیپلماسی EU در WTO، واحد تجارت خارجی DG در کمیسیون حضور دارد.

^{۲۵} کمیته ماده ۱۳۳ در بند ماده ۱۳۳ TEC تهیه و عرضه شد. این کمیته کنسول گری (شوراء) دارای کرسی از جانب مقام ریاست جمهوری است و متشکل از کارگزاران عالی رتبه مدنی ایالت عضو در شورای وزیران EU در بروکسل (پایتخت بلژیک) می باشد. این کمیته، مسؤول مساعدت رسانی برای کمیسیون در مذاکرات مربوط به مسائل تعرفه و تجارت است که دومین مورد از طرف اجتماع تجاری هدایت و اجرا می شود. آن یک نقش کلیدی و مهم بشمار می رود و تضمین می دهد که شورا، نتایج نهائی مذاکرات را می پذیرد و بدین ترتیب، در شکل گیری اتحادیه نقش بسزایی دارد. از دیدگاه رسمی تر، مقام ریاست جمهوری شورا، مذاکرات ماده ۱۳۳ کمیته را رهبری و اداره می کند ولی در عمل، این کمیسیون است که مذاکرات را هدایت می کند تا موقعیت مشترکی را در مسائل و امور تجاری بیابد. از دیدگاه رویه ای (روش مندی)، کمیته ماده ۱۳۳، یک کمیته رأی گیری نیست بلکه آن فقط یک هیئت مشاوره ای است. بمنظور همکاری نزدیک بین سطوح ملی و سطوح اروپایی در مسائل صلاحیت داری انحصاری و آمیخته، مذاکرات غیررسمی مستمر بین کمیته ماده ۱۳۳ و کمیسیون وجود دارد. برای نمونه، در مورد تجارت در خدمات، در هر دو هفته، مذاکرات چندجانبه یا دوجانبه وجود دارد. کمیسیون سعی دارد تا تصمیمات اکثریت را در این مذاکرات، دنبال و از آنها تبعیت کند. با این وجود، وقتی هیچ گونه نزدیکی یا همگرایی در بین سلاخ ملی و فراملیتی وجود نداشته باشد، کمیسیون می تواند از مقام و موقعیت خود برای اعمال هدف استفاده کند. مسائل مختلف بازرگانی و تجارتي وجود دارد که در کمیته ماده ۱۳۳، قبل از فرستادن به WTO در مذاکرات مورد بررسی و بحث قرار داده می شوند. از آنجائیکه مسائل بیشتری در این زمینه وجود دارد، بنابراین در بحث کمیته ماده ۱۳۳، برای حل مسائل نیازی به سطوح سیاسی نیست، مگر اینکه در سطح فنی و تکنیکی هیچ گونه اجماع و توافق نظری وجود نداشته باشد.

^{۲۶} ماده ۲۱۸ TFEU.

تجارت DG متشکل از ۵۵۰ نفر است که معمولاً توسط کمیسیونر Karel De Gucht ریاست و مدیریت می شود.^{۲۷} علاوه بر آن، کمیته ماده ۱۳۳ نیز عضوی از دستگاه‌آلات هسته ای دیپلماسی محسوب می شود. نماینده EU در سازمان بین المللی ژنو، عضو دیگری از دیپلماسی تجاری بشمار میرود. طوریکه آن، روابط با ژنو را بر حول محور سازمانهای بین المللی اداره و مدیریت می کند. نهایتاً، نماینده ملی ایالات عضو در ژنو باید به این لیست اضافه شوند. بنابراین، نتیجه به این صورت است که قدرت حکومت اداری و دیوان سالاری تجارت EU در امور روزانه WTO، معنادار و مهم است. دولت WTO، با وجود خاص بودن امور، به اقدامات قانونی انحصاری و دیپلماسی نیاز دارد. این امر، جایگاه مکانی کمیسیون را در مرکز فعالیتهای روزمره تر در WTO قرار می دهد.

بیشترین انتقاد در ایالات متحده از نماینده EU در WTO، اینست که باید دوبرابر رأی را به خود اختصاص دهد. از آنجائیکه، اتحادیه اروپا و ایالات عضو آن، رسماً در فرایند امور WTO شرکت و حضور دارند، بحث و اظهارنظر می شود که منافع اتحادیه اروپا، دوبرابر باشد. علی رغم آن، ماده نهم از توافق WTO، تعیین می کند که عضو آراء نمی تواند از تعداد ایالات عضو انجمن اروپا EC فراتر رود و از تعداد آن تجاوز کند. علاوه بر آن، شورای WTO و هیئت آن، بر طبق هنجارهای رأی گیری اجماع عمل و فعالیت می کنند و بدین ترتیب، مسائل WTO هرگز در یک رأی گیری رسمی گنجانده و مطرح نمی شود. اتفاق آراء و اجماع نظر در کردیورها (راهروهای سرپوشیده) تعیین می شود نه با شمارش آراء در جلسات.^{۲۸}

برطبق نظر Bourgeois، می توان استدلال کرد که از دیدگاه ایالات عضو، عضویت دوجانبه متناقض (عضویت غیر رسمی) می تواند یک راه حل بدی باشد بویژه که این امر برای EC/EU راه حل بدی است. در توافق GATT 1947، سایر احزاب متعاهد، فعالانه و عملی، EC را بعنوان یک نهاد و هویت منفرد پذیرفته بودند. این مقبولیت و پذیرش در وضعیتی صورت گرفت که هیچکس نباید جعبه پاندورا (Pandora) را در بازنگری GATT باز می کرد تا به این واسطه، رسماً EC را برای ایالات عضو خود جانشین سازی و جایگزین کند. ماده یازدهم در توافق WTO، نشان می دهد که با وجود ریسک، این تلاشها بیهوده است.^{۲۹}

بعد از تاسیس WTO، برطبق نظر Mortensen، اتحادیه اروپا در فرایند مذاکرات، رهبری و ریاست را برعهده گرفت. این اتحادیه، دستور کار جدیدی را مطرح کرد که به "تجارت و ... دستور کار" موسوم بود.^{۳۰} تحت رهبری EU، استانداردهای کار، استثنائات بخاطر حفاظت بهتر محیطی، آزادسازی خرید و قوانین رقابت جهانی در متن این دستور جلسه گنجانده شد. با این وجود، به بقیه موارد WTO، بویژه مسائلی مثل حقوق

^{۲۷} "سازمان" (کمیسیون اروپا: تجارت ۲۰۱۱) به سایت (http://ec.europa.eu/trade/about/organisation/index_en.htm) مراجعه کنید.

^{۲۸} Mortensen (n 6) 82

^{۲۹} Bourgeois (n 10) 73

^{۳۰} Mortensen (n 6) 86

اجتماعی و محیط، نگاه خصمانه ای وجود داشت. در این اتحادیه اروپا امر توسعه، رأی اعتماد کمتری را بخود گرفت. از دیدگاه آنها این امر، بیشتر مثل "سیاست گرای مستعمراتی نوین و حمایت گرای زیستی" بنظر می رسید تا تجارت آزاد و منصفانه.^{۳۱}

در سال ۲۰۰۱، اتحادیه اروپا، فراخوان اصلی دسنور کار توسعه دوهه قلمداد می شد. بدنبال آغاز هشت نشست از مذاکرات تجاری از سوی ایالات متحده، جلسه نهم از سوی EU در دوهه بعد از پنج سال مبارزه انتخاباتی (۱۹۹۶-۲۰۰۱) برگزار شد. برطبق اظهارات Anders Ahnliid، علی رغم وجود ماهیت حمایت گرایانه مستمر و پایدار در امر سیاست کشاورزی مشترک، و تقاضاهای جدید حاصل از جامعه مدنی در امر سیاست تجارت در حوزه هایی همچون محیط، حقوق کار و عدالت جهانی، اتحادیه اروپا با برای برگزاری یک دور نشست جدید، رتبه منصفانه ای از موفقیت را دریافت کرد. او با استدلال بیان می کند که توانایی کمیسیون اروپایی در تشکیل استراتژی های مقتضی و مناسب به تمایلات EU و توانایی آن در اعمال رهبری بستگی دارد. یک استراتژی موفق باید بین آنچه که برای رضایتمندی ایالات عضو EU نیاز است و آنچه که در سطح چندجانبه، عملی و میسر است، توازن و تعادل برقرار کند.^{۳۲}

فرایند تقویت چارچوب نهادی در سیستم حل و فصل اختلاف موجود در WTO، کمیسیون را قادر ساخته است تا با توجه به مسائل جدید تجارت، نقش مهمی را در مناقشات ایفاء کند. این واقعیت امر، امکانات و احتمالات را برای اصلاحات تدریجی در ماده TEC ۱۳۳ را بعنوان ماده مهم سیاست بازرگانی مشترک هموار می کند تا حوزه هایی همچون خدمات، مالکیت معنوی، و سرمایه گذاری را در هم تلفیق سازد.^{۳۳} بدنبال روی کار آمدن معاهده Lisbon، ماده ۲۰۷ (ماده قدیمی TEC ۱۳۳) بشرح زیر قرائت می شود:

سیاست بازرگانی مشترک بایستی بر اساس اصول و ضوابط یکسان میناگذاری شده باشد بالاخص که این یکسان سازی باید با توجه به تغییرات بعمل آمده از نرخ تعرفه ها، نتیجه تعرفه و توافقات تجاری در تجارت کالا و خدمات و جنبه های بازرگانی در مالکیت معنوی، سرمایه گذاری مستقیم خارجه، مبادرت به یکسان سازی درجات آزادسازی، سیاست صادرات انجام گیرد تا از تجارتهایی همچون تجارت های بعمل آمده در رویداد دامپینگ و سوبسیدها حمایت صورت گیرد. این سیاست بازرگانی و تجارت مشترک بایستی در متن اصول و اهداف اقدامات خارجی اتحادیه رهبری و هدایت شود.

اتحادیه اروپا خود را در مقام حامی و پشتیبان سلطنتی در WTO مورد توجه قرار می دهد. WTO، عضویت خود را در تعداد بالغ بر ۱۵۰ کشور گسترش داده است. بنابراین، عضویت WTO از سوی انجمن بین المللی

^{۳۱} Mortensen (n 6) 86.

^{۳۲} Anders Ahnliid، عنوان "اتحادیه اروپا و آغاز کار نشست دوهه" در مقاله Ole Elgstrom و Christer Jonsson، مذاکرات اتحادیه اروپا: مراحل، شبکه ها، و نهادها (مؤسسات) (Routledge 2005).

^{۳۳} Billiet (n 3) 902.

در اعتبار سیاست تجارت کشوری بصورت یک هویت شناختی ضروری مد نظر قرار داده می شود و یک گام لازم و ضروری در جهت جمع آوری منافع تجارت بین المللی محسوب می شود. بدین ترتیب تعجبی ندارد که تعداد کشورهای درخواست کننده مشارکت و تقرب در WTO زیاد باشد و در حوزه های مختلف دنیا گستردگی داشته باشد. بدون شگفتی باید گفت که کشورها آماده اند تا بمنظور تکمیل پروسه مشارکت در زمان درخواست آن تحت توافق GATT، مذاکرات طویل مدت را متحمل شوند. برطبق نظر WTO، آن کاملاً در مقایسه با روند پروسه در GATT، کاملاً متفاوت است. با وجود اینکه GATT، دورنمای محدودی دارد، WTO سازمانی است که تقریباً تمام حقایق و رویداد های تجارت بین المللی را پوشش می دهد و برای تمدید و بسط آن به پروسه خود ادامه می دهد. از اینرو، راه یابی به سازمان WTO با " درک کردن (گرفتن) یک قطار در حال حرکت " مقایسه می شود.^{۳۴}

۴- تاثیر WTO بر صلاحیت های خارجی EC/EU

هیچ معاهده دیگر چند گانه به اندازه معاهده WTO ۱۹۹۴ بصورت توافق مختلط و ترکیبی از جانب EC و ایالات عضو مطرح و نتیجه گیری نشده است. EC (امروزه EU) می تواند از فرمول " توافق ترکیبی " برای زمانی استفاده کند که موضوع اصلی توافق یا قرارداد ها، مربوط به صلاحیت اجتماع و ایالات عضو باشد.^{۳۵} نتیجتاً نشست دتر جلسه اوراگوئه به عدم توافق بین کمیسیون، شورا یا حداقل، ایالات عضو بیشتر کشورها شد. این اختلاف با مسئله مسؤلیت های طرف امضاء کنندگان، تحریک و برانگیخته شد. کمیسیون ادعا داشت که هر چیز تحت پوشش توافقات WTO، با دربر گرفتن TRIPS، تحت نظارت ماده TEC ۱۳۳، قرار می گیرد.^{۳۶} سیاست بازرگانی و تجارت مشترک (CCP)، یکی از ستون های سیاست خارجی EC/EU بشمار می رود و EC/EU بر مسائل مطرح در چشم انداز ماده TEC ۱۳۳ (ماده TFEU ۲۰۷) صلاحیت انحصاری دارد. این امر کمیسیون را در موقعیت مرکزی قرار می دهد. بهمین دلیل، تعجبی ندارد که کمیسیون در زمان دور نشست اوراگوئه برای مطرح داشتن مسائل جدید موجود برای CCP، مشتاق بود. بعبارت دیگر، بیشتر اعضای ایالات عضو با تفسیر ماده TEC ۱۳۳ مخالف بودند. مخالفت آنها اغلب بخاطر مقاومت کمیسیون در برابر اوضاع مربوط به تجارت در امور حقوق مالکیت معنوی و خدمات بود. برطبق نظر شورا، این امور و مسائل در خارج از حیطه CCP و خارج از ضوابط شایستگی های انحصاری EC بود. حل این مسائل، در رأی دادگاه عدالت اروپایی مطرح و انجام شد. رویه (روش) کسب رأی از طریق دادگاه، در ماده قانونی TEC (۶) ۳۰۰، (ماده TFEU (۱۱) ۲۱۸) آماده و تهیه شد. هشت کشور از ایالات عضو از جمله آلمان، فرانسه و اوکراین، احکام دستوری مجزایی داشتند

^{۳۴} Frid de Vries (n 20)

^{۳۵} ECJ، رأی قانون ۲/۹۱ (کنوانسیون شماره ۱۷۰ در مبحث امنیت سازمان کارگری بین المللی در بکارگیری مواد شیمیایی در کار) (۱۹۹۳) ECR I-۱۰۶۱، پارگراف ۳۶.

^{۳۶} در این مورد مسئله، به مقاله Billiet (n 3) 902-904 رجوع کنید.

که به دادگاه در حمایت از موضع گیری شورا ارائه دهند.^{۳۷} برطبق نظر Billiet، این یک امضاء تأییدی بیانگر آن است که چقدر ایالات عضو در مورد این مسائل، قوی و پر قدرت هستند و درجه مقاومت بالا را در برابر تعابیر و تفاسیر کمیسیون نشان می دهد.^{۳۸}

در رأی قانون ۱/۹۴، دادگاه تأیید کرد که انجمن اروپایی با توجه به تجارت کالا و خدمات فرا مرزی، صلاحیت انحصاری و جامع دارد. با اینحال، آن، صلاحیت انحصاری EC را برای اتخاذ انواع تجارت خدمات و حقوق مالکیت معنوی رد کرد. دادگاه نتیجه گیری کرد که ضرورتاً هماهنگ سازی قوانین ایالات عضو برای حقوق مالکیت معنوی نیاز به همراهی توافقی با کشورهای بدون عضو ندارد. همچنین دادگاه، نظر ایالات عضو (تعدادی از شرط ماده های توافق TRIPS) را در ارتباط با اصلاحات قضائی را رد کرد تا صلاحیت انحصاری ایالات عضو را بدست آورد. بنابراین، هیچ کدام از نهاد اروپایی و ایالات عضو صلاحیت خارجی انحصاری در TRIPS ندارند. می توان گفت که دادگاه با شورا و ایالات عضو، در یکسو قرار دارند و از هم طرفداری می کنند. نتیجه گیری نهائی این بود که EC و ایالات عضو دارای صلاحیت مشترک در استنتاج توافقات بجز در خدمات فرا مرزی تحت پوشش ماده TEC ۱۳۳ هستند. بنابراین EC و ایالات عضو آن بطور پیوسته و متحد برای استنتاج گیری توافقات TRIPS صلاحیت دارند این امر در کشمکش برعلیه کالاهای تقلبی تحت نظارت CCP، صدق ندارد و استثناء در نظر گرفته می شود.^{۴۰} از آنجائیکه EC، بر تمام امور مشمول شده، صلاحیت انحصاری نداشت، نتیجه نهائی این بود که چارتر EC بعنوان یک توافق مختلط و ترکیبی در WTO امضاء شود.

برطبق نظر Bourgeois، رأی ماده ۱/۹۴، تأثیرات منفی بر مواضع EC در WTO دارد.^{۴۱} Billiet با استدلال بحث می کند که چنین تیرگی احوالات (تأثیرات منفی)، کاملاً از لحاظ رویدادهای اواسط دهه ۱۹۹۰ قابل درک است.^{۴۲} برای مثال، کمیسیون Delors در حد زیادی مستقل از کنترل و نظارت ایالات عضو عمل می کرد. از نظر ایالات عضو، بویژه فرانسه، این کمیسیون در زمان مذاکرات درباره توافق مجلس Blair House در اشاره به امور مسائل کشاورزی در نوامبر سال ۱۹۹۲، مستقل و بدور از کنترل بود. این توافق بین EC و US، از سوی کمیسیون خومختار مورد مذاکره قرار داده شد. با این وجود، پیامدهای حاصل از آن، برای فرانسه غیرقابل پیش بینی بود. در نهایت، فرانسه حمایت کافی از جانب ایالات عضو را برای پشتیبانی از موضع خود در برابر اعمال فشار بر کمیسیون کسب کرد تا برای این توافق، مذاکره شود. بنابراین، این عمل، بعنوان نقطه تحول در دادن اختیارات مورد مذاکره به نمایندگان فراملیتی قابل مشاهده بود.^{۴۳} در همان زمان، کمیسیون

^{۳۷} ECJ، رأی قانون ۱/۹۴ (صلاحیت و شایستگی انجمن برای نتیجه گیری از توافقات بین المللی مرتبط با خدمات و حمایت از مالکیت معنوی) (۱۹۹۴) ECR I-5267

^{۳۸} Billiet (n 3) 902

^{۳۹} رأی ماده ECJ (N 37)

^{۴۰} رأی ماده ECJ (N 37)

^{۴۱} به کتاب Jacques HJ Bourgeois با عنوان "EC در WTO و رأی مشورتی ۱/۹۴: اجتماع Echternach" (۱۹۹۵) رجوع شود.

^{۴۲} Billiet (n 3) 902-904

^{۴۳} Billiet (n 3) 902-904

در این دوره و مرحله، در داخل ایالات عضو، شناخته شده نبود و در آرای کلی جمعیت اروپایی، عمومیت نداشت.^{۴۴} بنابراین، رأی قانون ۱/۹۴ نمی توانست بعنوان یک ظهرنویسی (پشت نویسی یا امضای یک سند) برای کمیسیون قابل قرائت باشد.

با وجود این، در طول سالها، این کمیسیون نقش مهمی در GATT/WTO برعهده داشت بویژه که نقش کمیسیون در امور و مسائل مرتبط با TRIPS مهم و تاثیرگذار بود. ماده قانونی TEC ۱۳۳ نیز در طول سالهای زیادی بکار گرفته شد و امروزه، نتایج تعرفه و توافقات تجارت را در بخش خدمات و جنبه های تجارتي در مالکیت معنوی و سرمایه گذاری های مستقیم خارجه را شامل می شود.^{۴۵} کمیسیون برای تلفیق بخش خدمات و حقوق مالکیت معنوی در ماده TEC ۱۳۳ بطور مفصل بحث کرده است. ایالات عضو و نیز ECJ در رأی نظر ۱/۹۴، شدیداً با این امر مخالفت کردند. علی رغم مخالفت ها، این وضعیت اساساً از زمان عملیاتی شدن سیستم جدید رفع اختلاف WTO، تغییر کرده است. موضع تقویت یافته کمیسیون در سیستم حل اختلافات WTO، و رأی اعتماد ایالات عضو در این شرایط، راه راه برای سیر تکامل ماده TEC ۱۳۳ هموار کرده است. شیوه قانونی WTO برای حل اختلاف، بر موضع کمیسیون در بخش داخلی مربوط به صلاحیت های اعضاء در EC/EU تاثیرگذار بود. برطبق توضیحات Billiet در مورد نقش کمیسیون اروپا در سازمان تجارت جهانی، باوجود الویت بندی و ترجیحاتشان و نقش تصمیم گیری اصلی در EU، ایالات عضو از طریق رویدادهای زمینه ای در سیستم حل اختلاف موجب گرفتن رأی اعتماد آنها بر کمیسیون شد. بدین ترتیب، این امر، بر انتقال رسمی تر قدرت به نفع کمیسیون فشار آورد تا صلاحیت های کسب شده غیررسمی به صلاحیت های قانونی تبدیل شود.^{۴۶}

این موقعیت با این رویداد تشدید و تقویت می شود که سیستم حل مناقشات و اختلافات در WTO، به شیوه ای ساختارسازی می گردد که به کشورهای بزرگ، امتیاز دهد و مزیت داشته باشد. بنابراین، این کمیسیون بعنوان هیئت نماینده EC/EU در جهت منافع در نظر گرفته می شود. موضع و موقعیت کمیسیون اغلب با مالکیت تخصص های ضروری و متخصص تقویت می شود. در نتیجه چارچوب تقویت شده سازمانی WTO، کمیسیون قادر خواهد بود صلاحیت و شایستگی هایی را کسب کند که بدون این چارچوب نمی توانست آنها را بدست آورد. علاوه برآن، سیستم قانونمند شده حل اختلاف و مناقشات در WTO، به منفعت کمیسیون عمل می کند. این امر انگیزه ایالات عضو را برای نمایندگی از جانب کمیسیون، تغییر می دهد و بدین طریق، اهمیت بیشتری را به کسب مهارتهایی قائل می شود که کمیسیون آنها را داشته باشد.^{۴۷} بنابراین، حتی اگر

^{۴۴} برطبق Euro barometers ۳ و ۲۷، مقدار درصد افراد با ادراک و عقاید موافق با این کمیسیون، در سال ۱۹۹۰ از ۵۶٪ بود و در سال ۱۹۹۲، ۴۷٪ بود. به سایت های (http://ec.europa.eu/public_opinion/archives/eb/eb33_en.pdf) و سایت http://ec.europa.eu/public_opinion/archives/eb/eb33_en.pdf مربوط به مورخه ۳۰ ماه می ۲۰۱۱ رجوع کنید.

^{۴۵} ماده TFEU ۲۰۷.

^{۴۶} Billiet (n 3) 916.

^{۴۷} به مقاله S Billiet با عنوان "حل مناقشات EC و WTO: آغاز مناقشات تجاری از سوی EC" (۲۰۰۵) و بازنگری مسائل امور خارجه اروپا (۱۹۷) و کتاب J Helikosi با عنوان "صلاحیت مؤتلفه انجمن اروپایی و ایالات عضو و عملیات حل مناقشات در سازمان تجارت جهانی (۱۹۹۲) در کتاب سال کامبریج از مطالعات قانون اروپا رجوع کنید.

ایالات عضو بطور بدیهی بیان کنند که در حوزه TRIPS، به صلاحیت انحصاری EC/EU ترجیحی ندارند، کمیسیون در داشتن نقش بزرگ بعنوان عامل اروپایی در WTO، موفق بوده است.

۵- موضع توافقات GATT و WTO در قانون EU

ECJ برخلاف موضع خود در برابر توافقات بین المللی، از بیان این امر که GATT بخش جدایی ناپذیر قانون انجمن را تشکیل می دهد، اجتناب کرد. این امر در اصل، بواسطه این رویداد بود که EC در سال ۱۹۴۷، طرف قرارداد با GATT نبود. با این وجود، ECJ از این شرایط ملزوم برای WTO استفاده نکرد.^{۴۸} بعبارت دیگر، در ارتباط با توافقات نتیجه گیری شده توسط EC/EU و بدون آراء ایالات عضو، دادگاه کاملاً مایل بود تا اثرات مستقیم ضوابط معاهده را مورد توجه قرار دهد.^{۴۹} از آنجائیکه EC در مرحله بین المللی خیلی فعال بود، معاهده های متعددی با گروه ملل، (بدون دخالت ایالات عضو) منعقد شد. این توافقات انجمن تقریباً برای تمام توافقات بین المللی، تاثیر اتوماتیک مستقیم در حکم قانونی بومی ایالات عضو (قوانین داخلی) نداشت. با این وجود، دادگاه خواهان آن بود که شهروندان EC را قادر سازد که قبل از دادگاه های داخلی EC، دعاوی خود را براساس چنین توافقاتی به دادگاه ارائه دهند.^{۵۰} بنابراین، بنظر می رسد احکام ECJ برای GATT متناقض با آرای حکم داده شده با توافقاتی بود که از سوی EC بدون آرای ایالات عضو منعقد شده بود. ECJ مقرر کرد که GATT 1947 نیاز به پشتیبانی و تائید EC دارد تا بعنوان بخشی از قانون بین المللی مدنظر قرار گیرد. با این وجود، الزامی وجود نداشت تا در حکم قانونی انجمن، در GATT، تاثیر مستقیمی مشاهده شود. عدم عمل مقابله بمثل و فقدان مجوز برای کناره گیری یک طرفه (یک جانبه) همراه با انعطاف پذیری بیشتر، از ویژگی های اصلی GATT بود. بنابراین، امکان نداشت تا این ضوابط و شرایط لازم، تاثیر مستقیم در حکم قانونی اجتماع اروپایی داشته باشد.^{۵۱}

مفادی که در آن، GATT در قانون EC مشاهده و استنباط شد بطور قابل توجهی بعد از تاسیس سازمان تجارت جهانی تغییر یافت. در اصل این امر بواسطه چارتر توسعه یافته WTO (صدور امتیازنامه مشخص) در ارتباط با GATT و نیز انعقاد چند توافق نامه در این چارچوب بود. مسئله تاثیر مستقیم توافقات WTO، یک مسئله بود که مجدداً در مرکز قانون روابط بین الملل اتحادیه اروپا در آغاز دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. این شورا

^{۴۸} از تألیف Bourgeois (n 10) 103-108 دیدن کنید.

^{۴۹} مورد دعوی ۱۲/۸۶ ECR 3719 (1987) Demirel, Stadt Schwabisch Gmund, مورد دعوی ۱۰۴/۸۱, Hauptzollamt Mainz,

Kupferberg (1982) ECR 3641.

^{۵۰} Pischel (n 1) 111

^{۵۱} به دعوی ۲۴/۷۲-۲۱، کمپانی بین المللی NV Fruit و Produktschap voor Groenten en Fruit (1972) ECR 1219، پاراگراف ۲۷؛

مورد دعوی ۷۰/۸۷ Fediol III (1989) ECR 1805، پاراگراف ۱۹-۲۰؛ دعوی ۲۸۰/۹۳ با عنوان آلمان و کنسولگری (مقررات تجارت موز) (۱۹۹۴)

ECR I-4873 پاراگراف ۱۰۹ مراجعه کنید.

بود که ظاهراً عدم تمایل خود را برای نسبت دادن تاثیر مستقیم به توافقات WTO نشان داد. در زیر، در بیان مقدمه حل شورا با انعقاد توافقات نشست اوراگوئه چنین بیان می شود که:

توافق حاصل از نشست سازمان بین الملل جهانی، با دربر داشتن ضمیمه های پیوست شده، در معرض استناد و مستند شدن در انجمن اروپا و دادگاه های ایالت عضو قرار ندارد.^{۵۲}

این بیانیه در اصطلاح سیاسی، همراستا با هدف ECJ است. برطبق قانون دعاوی ECJ، ایالات عضو نمی توانند بطور نرمال، قانون WTO را برای بی اعتبارسازی قانون انجمن اروپا استنادسازی کنند. در دعاوی اقامه شده ایالات عضو در بازنگری قانونمندی اقدامات انجمن، دلایل مطرح شده دادگاه، همانند دلایلی است که دادگاه، تاثیر مستقیم آن را نمی پذیرد و قبول ندارد،^{۵۳} و در قانون دعاوی بین ایالات عضو و طرفین خصوصی (احزاب خصوصی)، همسان سازی می کند و آن را برقرار می سازد.^{۵۴} با این وجود، دادگاه قبلاً مقرر کرده بود که توافق منعقد شده از سوی EC، در صورتی مستقیماً اجرا نمی شود که طرفین قرارداد، اثر مستقیم را رد کرده باشند. بیانیه این نظامنامه به تائید سایر اعضای WTO نرسیده است. از آنجائیکه EC در هنگام امضای توافق، یک عضو علی البدلی را مطرح نکرده بود و نیز برای ممانعت از تاثیر مستقیم، شرط قانونی نگذاشته بود، این بیانیه در نظامنامه نمی توانست در هنگام تفسیر توافق موجود در مفاد مورد نظر، با ارزش کاربردی بالا اجرا و انجام شود.^{۵۵}

برطبق بیان Pischel، مسئله اثر مستقیم قانون WTO، موجب نگرانی های اساسی درباره دولت دموکراتی، قطعیت یقین قانونی و برابری قانونی شده است. اثر مستقیم قانون WTO، نیاز به قانونمندی بین المللی را افزایش خواهد داد، ولی سیستم WTO، در واگذاری نهاد قانونگذار به چنین نیازمندی احتیاج ندارد.^{۵۶}

Pischel استدلال می کند که اصل کیفیت قانونی نیز باید مدنظر و توجه قرار گیرد. سیستم قانونی EU به اهمیت این موضوع می پردازد و بیان می کند که قانون EU نمی تواند بطور برابر و یکسان از سوی دادگاه های بومی و از طریق مکانیزم های مختلف بکار برده شود و برطبق ماده (234 TEC) TFEU ۲۶۷، با روش های احکام اولیه اجرا شود.^{۵۷} برخلاف آن، سیستم WTO برای تضمین کاربرد برابر قانون WTO در دادگاه

^{۵۲} تصمیم و حکم شورا ۹۴/۸۰۰ در رابطه با نتیجه گیری از طرف انجمن اروپا، با توجه به مسائل امور مربوط به صلاحیت آن و توافقات رسیده در مذاکرات چندجانبی نشست اوراگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) (۱۹۹۴) OJ L336,1.

^{۵۳} دعوی ۳۰۰/۹۸ و دعوی ۴۵-۱۱۳۰۷/۴۴ ECR I-11307 [1998] Dior ۳۹۲/۹۹؛ دعوی ۲۶۸/۹۴ پرتقال و کنسولگری (۱۹۹۹) ECR I-8395.

^{۵۴} از تألیف L Barani با عنوان "رابطه حکم قانونی EU با قانون WTO: بررسی و مطالعه فرضیات فلسفی قضائی" (۲۰۰۹) Garnet Working Paper 70/09,8-15 (تجارت استخراج کاغذ سنباده) دیدن کنید.

^{۵۵} به مقاله Pischel (n 1) 126 رجوع کنید.

^{۵۶} به مقاله Pischel (n 1) 126 رجوع کنید.

^{۵۷} به مقاله Pischel (n 1) 126 رجوع کنید.

های بومی، از مکانیزم مشابه بهره نمی گیرد. علاوه بر آن، مسئله تبعیض بالقوه علیه تولیدکنندگان داخلی (بومی) وجود دارد که در این حال، قانون WTO مستقیماً اعمال و بکار برده می شود.^{۵۸}

۶- نتیجه گیری

عضویت اتحادیه اروپا در سازمان بین الملل، یک مسئله مهم بشمار می رود زیرا این سازمان، امروزه در مشارکت های منطقه ای و جهانی، نقش مهم و بزرگی را بین ایالات ایفاء می کند. سازمان های بین الملل جهانی، چالش های بزرگی برای آینده اتحادیه اروپا مطرح می کنند، زیرا آنها اغلب برای تدابیر حل و فصل مسائل فرا خوانده می شوند بگونه ای که حل این مسائل از عهده هر یک از ایالات، خارج است. عضویت اتحادیه در این سازمان ها برای تاثیر گذاری و نفوذ اروپا در جهان مهم و بحرانی است. این اهمیت نفوذ، بخاطر مسائلی همچون تجارت آزاد، حفاظت محیط، جریان آزاد روابط دوربرد، استانداردهای فنی، مهم قلمداد می شود و باید بطور سرسختانه و مستمر انجام گیرد.

علاوه بر آن، روابط خارجی نیز بخاطر توسعه های آتی از اهمیت حیاتی برای اتحادیه اروپا برخوردار است. نمایندگی و روابط اتحادیه با سازمان بین الملل و ایالات سوم، بستگی زیادی به تقسیمات قدرت بین اتحادیه و ایالات عضو در حوزه روابط خارجی دارد. پویایی توسعه EU نشاندهنده گستردگی پیشرفت در صلاحیت های خارجی برای فعالیت در حوزه روابط خارجی است. به همین دلیل، این مقاله تلاش دارد تا نقش EC را در GATT و نقش EU را بعنوان یکی از اعضای اصلی خود در WTO نشان دهد. آن نشان می دهد که WTO چقدر می تواند تاثیر معنادار و اساسی بر توسعه EC/EU داشته باشد. اساساً WTO سیاست مشترک کشاورزی را بعنوان یکی از بنیاد های استاندارد در ادغام اروپا، به چالش کشانده است. علاوه بر آن، فرایند توسعه جهانی سازی نیز از سوی WTO مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده شده است که بنوبه خود، در مواضع اتحادیه اروپا بر محیط جهانی تاثیر گذاشته است. موجودیت وجود WTO به تاجران آزاد در اتحادیه اروپا کمک می کند تا موقعیت خود را در برابر طرفداران حمایت از صنایع داخلی در تجارت تقویت کنند. نهایتاً از اینرو این سیاست ها با توجه به تغییر پیکربندی قدرت بومی EU، شکل داده می شوند.

^{۵۸} به مقاله Pischel (n 1) 126 رجوع کنید.

منابع :

Teaching assistant at the Faculty of Law in Skopje, Republic of Macedonia.
 Doctoral
 candidate at Cologne University, Faculty of Law, Germany.
 Gerhard Pischel, 'Trade, Treaties and Treason: Some Underlying Aspects of the
 Difficult
 Relationship between the EU and the WTO' (2001) 6(1) *European Foreign
 Affairs Review*
 See Robert Howse, 'Adjudicative Legitimacy and Treaty Interpretation in
 International
 Trade Law: The Early Years of WTO Jurisprudence' in JHH Weiler (ed), *The
 EU, WTO and
 NAFTA: Towards a Common Law of International Trade?* (OUP 2000) 35.
 Billiet, 'From GATT to the WTO: The Internal Struggle for External
 Competencies in the
 EU' (2006) 44(5) *JCMS* 899, 901.
 The trade concessions that the winning party gives to the losing party will be
 withdrawn.
 For more on the procedures for dispute settlement in the WTO, see
 'Understanding on
 Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes' (WTO 2011)
[http://www.wto.
 org/english/docs_e/legal_e/28-dsu_e.htm](http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/28-dsu_e.htm) accessed 25 May 2011.
 JL Mortensen, 'The World Trade Organization and the European Union' in KE
 Jorgensen
 (ed), *The European Union and International Organisations* (Routledge 2009)
 80.
 Jacques HJ Bourgeois, 'The European Court of Justice and the WTO: Problems
 and Challenges' in Weiler (n 2) 71.
 See as an example article VI (1) in the International Bovine Meat Agreement;
 art 9.1.1 in the Agreement on Trade in Civil Aircraft.
 See Bourgeois (n 10) and Jacques HJ Bourgeois, 'The Tokyo Round
 Agreements on Technical
 Barriers and on Government Procurement' (1982) 19 *CML Rev* 5.

<https://law-mag.science-journals.ir/>

See, Bourgeois (n 10) 72; Mortensen (n 6) 83-86.
 R Leal-Arcas, 'The Resumption of the Doha Round and the Future of Services Trade' 29
 Loyola of Los Angeles International and Comparative Law Review 339.
 Mortensen (n 6) 83-86.
 Art IX Marrakesh Agreement establishing the WTO.
 Rachel Frid de Vries, 'European Community, Membership in International Organizations or Institutions', *The Max Planck Encyclopedia of Public International Law* (OUP 2009 online edition) <www.mpepil.com> accessed 24 May 2010.
 ECJ, Opinion 1/94 (*WTO Agreements*) [1994] ECR I-5267.
 27 'Organisation' (European Commission: Trade 2011)
 <http://ec.europa.eu/trade/about/organisation/index_en.htm> accessed 1 June 2011.
 Anders Ahnlid, 'The European Union and the Launch of the Doha Round' in Ole Elgström and Christer Jönsson (eds), *European Union Negotiations: Processes, Networks* 35
 ECJ, Opinion 2/91 (Convention No 170 of the International Labour Organization concerning safety in the use of chemicals at work) [1993] ECR I-1061, para 36.
 36 On this issue, see Billiet (n 3) 902-904.
 ECJ, Opinion 1/94 (Competence of the Community to conclude international agreements concerning services and the protection of intellectual property) [1994] ECR I-267.
 See Jacques HJ Bourgeois, 'The EC in the WTO and Advisory Opinion 1/94: An Echternach
 44 According to Eurobarometers 33 and 37, the percentage of people with a favorable
 See S Billiet, 'The EC and WTO Dispute Settlement: The Initiation of Trade Disputes the EC' (2005) 10(2) *European Foreign Affairs Review* 197; J Heliskosi, 'Joint Competence of the European Community and its Member States and the Dispute Settlement Practice of the World Trade Organization' (1999) 2 *Cambridge Yearbook of European Legal Studies* 61.
 Case 12/86 *Demirel v Stadt Schwäbisch Gmünd* [1987] ECR 3719; Case 104/81 *Hauptzollamt Mainz v Kupferberg* [1982] ECR 3641.
 See Cases 21-24/72 *International Fruit Company NV et al v Produktschap voor Groenten*

<https://law-mag.science-journals.ir/>

en Fruit [1972] ECR 1219 para 27; Case 70/87 *Fediol III* [1989] ECR 1805 para 19-20; Case 280/93 *Germany v Council (Banana Regulation)* (1994) ECR I-4873 para 109. Council Decision 94/800 concerning the conclusion on behalf of the European Community, with regard to matters within its competence, of the agreements reached in the Uruguay Round multilateral negotiations (1986-1994) [1994] OJ L336, 1. Case 300/98 & Case 392/99 *Dior* [1998] ECR I-11307 paras 44-45; Case 268/94 *Portugal v Council* [1999] ECR I-8395. See L Barani, 'Relationship of the EU Legal Order with WTO Law: Studying Judicial Activism' (2009) Garnet Working Paper 70/09, 8-15.